

## تبیین آموزه امامت در احادیث حسینی

دکتر محمد رنجبر حسینی<sup>۱</sup>

عصمت عدل پیوست<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲

### چکیده

آموزه امامت، از جمله آموزه‌های اصیل شیعه امامیه به شمار می‌رود. از شاخص‌ترین مؤلفه‌های این آموزه، این است که امامت منصبی از سوی خداوند و شخص امام نیست دارای مقامات و ویژگی‌هایی خاص است.

امامان معصوم علیهم‌السلام به تبیین این آموزه امامت و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. امام حسین علیه‌السلام در دوران پس از امامت حضرت علی علیه‌السلام و برادرش امام حسن علیه‌السلام به امامت رسید. در آن دوره ویژه که بنی‌امیه ادعای امیر و ولی بودن بر مسلمانان را داشتند و همه را بر بیعت با خویش فرامی‌خواندند، امام حسین علیه‌السلام به تبیین آموزه امامت و ویژگی‌های امام و حاکم واقعی جامعه اسلامی پرداخت تا راه را بر فریب فکری و عقیدتی مردم آن زمان ببندد.

نوشتار پیش رو با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی، به تبیین آموزه امامت از منظر احادیث امام حسین علیه‌السلام پرداخته است تا امام‌شناسی از زبان امام معصوم علیه‌السلام صورت پذیرد.

**کلیدواژگان:** امام حسین علیه‌السلام، آموزه امامت، منصوص بودن امامت، شرایط امام.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث (ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث

(a.adlpyvast@gmail.com)

مورخان اسلامی معتقدند نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام ﷺ از نخستین مباحث کلامی است که پس از آن حضرت، نزد امت وی رواج یافت. به تعبیر شهرستانی در *ملل و نحل*، بزرگ‌ترین اختلاف در میان امت اسلامی اختلاف در امامت بوده و درباره هیچ مسئله‌ای همچون امامت، شمشیرها برهنه نگشته و خون‌ریزی صورت نگرفته است (شهرستانی، ۱۴۱۴: ۱/۲۴). نتیجه این اختلاف گسترده، پیدایش اندیشه‌های مختلف در این زمینه بود. در این میان، جامعه اسلامی به دو دسته تقسیم شد؛ اهل سنت که مقام امامت نزد آنان تنها یک منزلت اجتماعی و منصب عادی و غیر الهی است که توده مردم، به ویژه اهل حل و عقد، این مقام را انتخاب می‌کنند (جمعی از نویسندگان، زیر نظر یزدی مطلق، ۱۳۸۱: ۶۵). در مقابل این اندیشه، مواجهه شیعه با مسئله جانشینی پیامبر ﷺ ارائه نظریه امامت به عنوان استمرار نبوت قرار دارد؛ یعنی همان عللی که ایجاد می‌کند خدا رسولی را برانگیزد و امام پس از پیامبر، از طرف خدا مبعوث شود. شیعه، امامت را جزو آموزه‌های دینی اسلام می‌داند. به این ترتیب امامت نه تنها به عنوان نظریه سیاسی، بلکه به عنوان دیدگاه کلامی و اعتقادی مطرح می‌شود (همو: ۶۴).

با توجه به شرایط زمانی و مکانی، تبیین مسئله امامت از سوی ائمه علیهم‌السلام ظاهری متفاوت داشته است. بی‌تردید تبیین‌های ایشان که برخاسته از شرایط زمانی و مکانی در ادوار مختلف بوده، می‌تواند موضوعی برای پژوهش در این زمینه باشد.

در دوران پس از رحلت پیامبر ﷺ و بخصوص در زمان حکومت امویان، با بهره‌گیری از جهل سیاسی مسلمانان، در سرزمین شام بنای حکومتی را نهادند که از بنیان با اسلام ناسازگار بود و با فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی، قدرت سیاسی را از امام علی علیه‌السلام و سپس از امام حسن علیه‌السلام ربودند و برمسند خلافت جامعه اسلامی تکیه زدند. با روی کار آمدن یزید، ارزش‌های اسلامی از جامعه رخت برپست و دین اسلام گرفتار انحرافی سخت شد. در این دوران، امام حسین علیه‌السلام به دلیل تقابل گفتاری و عملی با چنین حکومتی، برای جلوگیری از انحراف عقیدتی مسلمانان از آموزه اصیل امامت، به روشن‌گری در مسئله امامت پرداخت.



پژوهش حاضر در پی کاوش در احادیث امام حسین علیه السلام در تبیین آموزه امامت است که می‌توان گفت نگاهی جدید به احادیث حسینی است و مقوله امامت را زبان امام معصوم معرفی می‌کند.

## ۱. شرح مفاهیم

### ۱-۲. تعریف لغوی امام

از نظر لغت شناسان عرب، واژه «امام» عبارت از هر کسی یا هر چیزی است که در کارها به او اقتدا می‌شود.<sup>۱</sup>

متکلمان اسلامی تعریف‌های متعددی و تاحدی شبیه به یکدیگر از امامت ارائه داده‌اند و برای امام ریاست عام در امور مسلمانان قائل شده‌اند (جرجانی ۱۴۰۳: ۲۸؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۴). در این جا به یک تعریف از شیخ مفید بسنده می‌نماییم:

الامام هو الذی له رئاسه العامة فی امور الدین والدنیا نیابة عن النبی؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۵۳)

امام، کسی است که دارای رهبری عمومی در امور دین و دنیا به صورت نیابت از پیامبر است.

در این عبارت، امام با توجه به مقام امامت تعریف شده است که عبارت است از رهبری عمومی مسلمانان در امور دینی و دنیوی آنان، به عنوان نیابت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم. با نگاهی کلی به دیدگاه مذاهب اسلامی نسبت به امر امامت چنین استنباط می‌شود که غالب آنها امامت را مقامی می‌دانند که صاحب آن ریاست امور مسلمانان را عهده‌دار است. باید توجه داشت که در این نگرش به بُعد سیاسی منصب امامت تأکید بیشتری شده است (مطهری، ۱۳۶۸: ۲/۲۸۰)؛ اما در نظر مکتب شیعه، امامت یک منصب و موهبت الهی است که منحصر به حکومت و مرجعیت نیست، بلکه امام حافظ و راهنمای سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان‌هاست.

۱. «الامام، کل من اقتدی به و قدم فی الامور» (ابن فارس، ۱۴۱۸: ۴۸). «الامام کل من ائتم به قوم» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۵۷).

## ۲. امامت مقام الهی و فراترازگزینش

امامت همانند نبوت یک مقام و منصب الهی است که با نص الهی محقق می شود. متکلمان شیعه برگزیده شدن امام را از سوی خداوند توسط رسولش را اساسی ترین راه تعیین امام می دانند (فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۳۳۷؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۸۱).  
امام حسین علیه السلام در روایتی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوص بودن امامت را این گونه بیان می فرماید:

دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُتَفَكِّرٌ مَغْمُومٌ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا؟ قَالَ: يَا بُنَيَّ! إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ قَدْ أَتَانِي، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: إِنَّكَ قَدْ قَضَيْتَ نُبُوتَكَ وَاسْتَكْمَلْتَ أَيَّامَكَ، فَاجْعَلِ الْإِسْمَ الْأَكْبَرَ وَمِيرَاتِ الْعِلْمِ وَأَثَارَ عِلْمِ النُّبُوءَةِ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنِّي لَا أَتْرُكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يُعْرِفُ بِهِ طَاعَتِي وَيُعْرِفُ بِهِ وِلَايَتِي، فَإِنِّي لَمْ أَقْطَعْ عِلْمَ النُّبُوءَةِ مِنَ الْغَيْبِ مِنْ دُرِّيَّتِكَ كَمَا لَمْ أَقْطَعْهَا مِنْ دُرِّيَّاتِ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ كَانُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَبِيكَ آدَمَ؛  
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶ / ۳۴۵)

امام حسین علیه السلام فرمود: برسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و ایشان در فکر و غم بود. سبب را پرسیدم. فرمود: فرزندم! جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: ای رسول خدا! علی اعلی سلامت می رساند و می فرماید: پیامبری ات را به پایان بردی و روزگارت به پایان رسید. اسم اعظم و میراث علم الهی و آثار دانش پیامبری را به علی بن ابی طالب بسپار؛ زیرا من زمین را جز با عالمی که بندگی من با او دانسته شود و ولایت من با او شناخته شود نگذارم و من پیام رسانی از جهان غیب را از نسل تو نبریده ام، چنان که آن را از نسل پیامبرانی که میان تو و آدم بودند نیز قطع نکردم. پرسیدم: ای رسول خدا! بعد از شما چه کسی این مهم را بر عهده می گیرد؟ فرمود: پدرت علی بن ابی طالب، برادر و جانشین من - و پس از علی، حسن سپس تو و نه نفر از نسل تو جمعاً دوازده امام - عهده دار آن خواهید بود.

در این روایت امام حسین علیه السلام با تمسک به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله امامت را جانشینی پیامبر معرفی نموده که دارای ویژگی هایی همچون منصوب شدن از جانب خدا، داشتن مقام ولایت الهی بر مردم و تبلیغ دین و برپا کننده حدود الهی است.



امام حسین علیه السلام در سخنانی که در سال بعد از مرگ معاویه در حج در جمع حجاج بیان فرمود، ضمن سخنانی بلیغ و شیوا به مسائل اساسی در رابطه با الهی بودن و غیر انتخابی بودن مقام امامت اشاره فرمود:

... أَنْشُدُكُمْ اللَّهَ، أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَصَبَهُ يَوْمَ غَدِيرِخُمٍّ، فَنَادَى لَهُ بِالْوِلَايَةِ وَقَالَ: «لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ»؟ (سليم بن قيس، ۷۸۸: ۱۴۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۱/۳۳)

فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا می‌دانید که پیامبر خدا، او [علی علیه السلام] را روز غدیر خم، برپا داشت و به ولایت او ندا داد و فرمود: «حاضر به غایب برساند»؟

و نیز فرمود:

قَالَ: أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا: «أَيُّهَا النَّاسُ: إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِي، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا»؛ (همو)

فرمود: آیا می‌دانید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در آخرین سخنرانی اش فرمود: «ای مردم! من در میان شما، دو چیز گران سنگ به جا نهادم: کتاب خدا و خاندانم. پس بدان ها چنگ بزنید تا هرگز گمراه نشوید».

همچنین شیخ طوسی در کتاب *امالی* از امام حسین علیه السلام حدیثی این گونه نقل می‌کند:

أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ الرُّوحِ الْأَمِينُ عَنِ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَجَلَّ وَجْهُهُ، قَالَ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا؛ عِبَادِي فَاعْبُدُونِي، وَلْيَعْلَمْ مَنْ لَقِيََنِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي. قَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ: طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَوِلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ؛ (طوسی، ۱۴۰۳: ۵۸۹)

پدرم امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل روح الامین، از خداوند - که نام هایش پاک و ذاتش باشکوه است - چنین خبر داد [که می‌فرماید]: منم خداوند یکتایی که خدایی جز من نیست. بندگان من! مرا پرستید و هریک از شما که مرا با گواهی خالصانه به یکتایی و یگانگی ام دیدار کند، باید بداند که به قلعه من درآمده است و هر کس به قلعه من درآید، از عذاب من، ایمن است. گفتند: ای فرزند پیامبر خدا! گواهی خالصانه برای خدا، یعنی چه؟ فرمود: اطاعت از خدا و پیامبرش و [پذیرفتن] ولایت خاندان پیامبر.

با توجه به این احادیث می‌توان نتیجه گرفت امام حسین علیه السلام امامت را یک مقام و منصب الهی معرفی می‌فرماید که همچون مقام نبوت انتصاب امام از جانب خداوند است و هرگز امکان ندارد که این مقام گزینشی باشد. پس انتخاب اهل حل و عقد، شورا یا تعیین خلیفه قبلی نمی‌تواند تعیین کننده مقام امامت در شخصی باشند.

### ۳. عدم شناخت امام عامل گمراهی

اهمیت و ضرورت شناخت و معرفت نسبت به امام معصوم در حدی است که عدم این شناخت موجب مرگ جاهلیت برای انسان می‌شود. شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام روایتی را از امام حسین علیه السلام در باب ضرورت معرفت امام آورده است:

بِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَيُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۵۸/۲)

عیون أخبار الرضا به سندش، از امام حسین علیه السلام، پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل کرد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد، ولی امامی از فرزندان من نداشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است و بدان چه در جاهلیت و اسلام عمل کرده است، مؤاخذه می‌شود.

وجه استدلال به حدیث، این است که معرفت امام به عنوان یک تکلیف دینی بر هر مسلمانی واجب است؛ تا آن جا که نشناختن او، اصل ایمان و اسلام را خدشه دار می‌سازد. روشن است که چنین حکم قطعی، مستلزم آن است که زمان، هیچ‌گاه، فاقد امام نباشد. از این حدیث، نکته دیگری نیز استفاده می‌شود و آن، این است که امامت، صرفاً، یک مقام عادی و در حد رهبری سیاسی نیست که عهده دار برقراری نظم و امنیت جامعه بشری باشد؛ بلکه مقام امامت، با ایمان و دین مردم ارتباط دارد، تا آن جا که نشناختن او، زندگی انسان را به زندگی جاهلیت پیش از اسلام مبدل می‌سازد. از این جا روشن می‌شود که جایگاه امامت در جهان بینی اسلامی، همان جایگاه نبوت است. همان گونه که نشناختن پیامبر و عدم اطاعت از او، ایمان و اسلام انسان را مخدوش

می‌سازد، نشناختن و اطاعت نکردن از امام نیز چنین است. در این صورت، شرایط و صفات امام نیز باید در مرتبه شرایط و صفات پیامبر باشد و این همان دیدگاه شیعه در مسئله امامت است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ۵۸).

امامت چنان از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است که می‌توان گفت بدون معرفت امام، شناخت خدای متعال میسر نیست. در حقیقت امام‌شناسی و معرفت ائمه پایه و اساس خداشناسی است. این حقیقت انکارناپذیر، از زبان سید الشهداء علیه السلام چنین نقل شده است:

عن أبي عبد الله [الصادق] خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵ / ۳۱۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت امام حسین علیه السلام روزی بریارانش وارد شد و فرمود: «ای مردم! خداوند بزرگ بشکوه، بندگانش را نیافریده، جز برای آن که او را بشناسند و چون او را شناختند، عبادتش کنند و چون عبادتش کردند، با عبادت او، از عبادت جز او، بی‌نیاز شوند». مردی گفت: ای فرزند پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای تو! معرفت خدا، یعنی چه؟ فرمود: شناخت مردم هر عصر نسبت به امامی که اطاعتش بر آنان، واجب است.

#### ۴. مفروض الطاعة بودن امام

در روایات، پیروی از امام در هر زمان و هر شرایط، واجب دانسته شده و امام رهبر مادی و معنوی جامعه در تمام شئون زندگی به شمار می‌رود (کشی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۶۱).

امام حسین علیه السلام به این ویژگی امام این‌گونه تأکید می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَبَ نَبِيِّهِ الْأَدَابَ كُلَّهَا، فَلَمَّا اسْتَحْكَمَ الْأَدَبُ فَوَضَّ الْأَمْرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (الحشر: ۷)، إِنَّ رَسُولَ

اللَّهُ ﷻ أَدَبٌ عَلَيْنَا بِنَتْلِكَ الْأَدَابِ الَّتِي أَدَّبَهُ بِهَا، فَلَمَّا اسْتَحَكَمَ الْأَدَابُ كُلُّهَا فَوَضَّ الْأَمْرَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ (كوفی، بی تا: ۴۲۸/۲)

فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - همه آداب را به پیامبرش آموخت و چون آنها را استوار کرد، کار را به او وا نهاد و فرمود: «آنچه را پیامبر برایتان آورده، بگیرید و آنچه را از آن بازداشته، رها کنید». بی گمان پیامبر خدا همان آدابی را که آموخته بود، به علی یاد داد و چون علی آنها را استوار ساخت، کار (ولایت) را به او وا نهاد و فرمود: هر کس من مولای اویم، پس علی، مولای اوست.

در این روایت دومدعا وجود دارد:

یکی این که خداوند همه آداب را به پیامبرش می آموزد و امر را به او می سپارد. سپس امام حسین علیه السلام به قرآن استناد می کند که خداوند امر فرموده هر چه را پیامبر برایتان آورده بگیرید و غیر آن را رها کنید.

دیگر این که اشاره دارد پیامبر نیز آداب را به علی علیه السلام می دهد و ولایت را به اومی سپارد و می فرماید: «هر کس من مولای اویم علی مولای اوست». آنچه از این بیان برداشت می شود این است که ولایت علی علیه السلام مصداق آیه «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» است. پس طبق این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله شایستگی هایی که از جانب خدا دریافت کرده را به علی علیه السلام می بخشد و اینها در راستای یکدیگرند؛ زیرا شایسته نیست با وجود فرد برتری که رسول خدا امر به ولایت او کرده، مردم شخص دیگری را انتخاب کنند؛ چرا که امامت واقعیتی در وجود امام است که مردم توانایی شناخت آن را ندارند و تنها باید از طریق خدا به مردم معرفی شود.

در حدیثی دیگری امام حسین علیه السلام این چنین می فرماید:

حَنَّ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِبُونَ، وَعِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَقْرَبُونَ، وَأَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ، وَأَحَدُ الثَّقَلَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِي كِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، وَالْمُعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ، لَا يُبْطِئُنَا تَأْوِيلُهُ، بَلْ نَتَّبِعُ حَقَائِقَهُ. فَأَطِيعُونَا فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَقْرُونَةً، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَزُدُّوه إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء:



۵۹) وَقَالَ: ﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ وَ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَتَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء: ۸۳)؛  
(مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۲۰۵)

ما حزب چیره خداییم و خاندان و نزدیکان پیامبر خدا و اهل بیت پاک او و یکی از دو چیز گران بهایی که پیامبر خدا، در کنار کتاب خدای متعال و پس از آن قرار داد؛ کتابی که بیان هر چیز در آن هست و باطل، از پس و پیش، به آن راه ندارد و در تفسیر آن، بر ما اعتماد می شود و در تأویلش در نمی مانیم؛ بلکه حقایقش را دنبال می کنیم. از ما اطاعت کنید که اطاعت از ما واجب است؛ زیرا با اطاعت خدا و پیامبرش همراه است. خداوند عز و جل فرموده است: «از خدا و پیامبر و اختیارداران خود، اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید» و فرمود: «و اگر به پیامبر و اختیارداران خود باز می گردانند، بی تردید، به حقیقت آن پی می بردند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، همه شما، جزاندکی، از شیطان پیروی می کردید».

## ۵. ویژگی های امام در احادیث امام حسین علیه السلام

### ۱- ۵. عامل به دین خدا

امام، جانشین خدا و رسولش در زمین است که باید دارای اوصافی ممتاز نسبت به دیگران و از همه انسان های عصر خود کامل تر باشد؛ زیرا او مقتدا و الگوی عملی دیگران است. امام حسین علیه السلام در نامه ای به اهل کوفه، امام را این گونه توصیف می فرماید:

... فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَالْأَخِذُ بِالْقِسْطِ، وَالِدَائِنُ بِالْحَقِّ، وَالْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛ (طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۳۵۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲ / ۵۳۴؛ اخطب خوارزم، بی تا: ۱، ۲۸۴)

... کسی پیشوا (امام) نیست، مگر این که عامل به قرآن و پیش گیرنده [راه] عدالت و گردن نهنده به حق و وقف کننده خود در راه خدا باشد.

یعنی امام باید هم دارای حسن فعلی و هم حسن فاعلی باشد. امام کسی است که از یک سو باید در صراط مستقیم الهی گام بردارد و سخنانش مستدل و برهانی باشد و از

سوی دیگر دارای انگیزه صحیح و عاری از غرض‌های شخصی در دل باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

## ۲- ۵. طهارت و پاکیزگی از هرگونه پلیدی

از دیگر ویژگی‌های بیان شده برای امام توسط سیدالشهدا علیه السلام، عصمت از گناهان و پلیدی است؛ چراکه جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید همانند او دارای این صفت باشد تا مورد وثوق و اعتماد کامل قرارگیرد. ایشان در این باره می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ الطَّهَارَةِ الَّذِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ نَبِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ (الكوفي ۱۴۱: ۵ / ۱۷؛ الخوارزمی، بی تا: ۲۶۹/۱)

ما اهل بیت طهارتیم که خدای عز و جل [در باره ما] بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله چنین نازل کرد: «خداوند، اراده کرده که آلودگی را از شما اهل بیت، دور دارد و شما را در کمال پاکیزگی بدارد».

امام حسین علیه السلام درباره معنای طهارت امام به آیه تطهیر استناد می‌نماید که خود این آیه دلیل بر عصمت ائمه است؛ زیرا طهارت در این آیه، طهارت در عرصه رفتار و طهارت قلبی است که این یعنی پاکیزگی قلب از هرگونه وابستگی به غیر خدا و چیزی جز عصمت نیست.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد:

لام در «لِيُذْهِبَ» لام جنس است و معنا این‌گونه می‌شود که «از بین بردن و نابود کردن تمام انواع پلیدی‌ها و هیئت‌های رذیله که اعتقاد حق و عمل حق را از انسان می‌گیرد» و این نابود کردن، عصمت الهی است که عبارت است از صورتی علمی در نفس که انسان را از هر باطلی چه در عقاید و چه در اعمال حفظ می‌کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۴۶۷)

## ۳- ۵. برپایی نماز در زمین

برپایی شعائر الله در زمین از دیگر ویژگی‌هایی است که امام واجد آن است. امام

حسین علیه السلام می فرماید:

فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (حج: ۴۱) هَذِهِ فِينَا أَهْلَ  
الْبَيْتِ؛ (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۴۷؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۳۳۸)  
درباره سخن خدای متعال: «آنان که اگر در زمین قدرتشان بدهیم، نماز برپا  
می دارند» می فرماید: این [آیه]، درباره ما اهل بیت است.

علامه در تفسیر این آیه می گوید:

یکی از صفات ایشان این است که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر  
قسم زندگی که بخواهند حریتی داده شوند. در میان همه انواع و انحای زندگی  
یک زندگی صالح را اختیار می کنند و جامعه ای صالح به وجود می آورند که در آن  
جامعه نماز به پا داشته و زکات داده می شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام  
می گیرد. و اگر از میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی،  
زکات را نام برد، بدین جهت است که این دو در باب خود (عبادات) عمده  
هستند. (طباطبایی ۱۳۷۴: ۱۴/۵۴۶)

#### ۴-۵. صاحب علم لدنی

امامت ادامه نبوت و رسالت است. از این رو امام باید ویژگی های پیامبر را نیز داشته  
باشد. علم به دین و اخبار و امور غیبی توسط خداوند، از جمله ویژگی های مهم و  
برجسته امام به شمار می رود. منشأ علوم امام در روایات روح القدس، علم پیامبر،  
صحیفه های متعدد و عمود نور، قرآن و... دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۹۸).  
متکلمان امامیه معتقدند امام باید به جمیع احکام شریعت عالم باشد؛ زیرا او حافظ  
شریعت است و حفظ شریعت، بدون آگاهی کامل و جامع از آن ممکن نخواهد بود:

و ثانيها العلم بما يحتاج الى العلم به في امامته من العلوم الدينية و الدنياوية  
كالشرعيات و السياسات و الاداب و دفع الخصوم و غير ذلك لانه لا يستطيع الاقيام  
بذلك مع عدمه؛ (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۳۰)

دومین صفت از صفات لازم برای امام، علم به اموری است که به آگاهی از آنها  
در امامت خویش نیاز دارند؛ اعم از آگاهی های دینی و دنیوی؛ مانند علم به

احکام شرعی، روش های سیاسی، آداب مدیریت، مبارزه با دشمنان و غیر آن؛ زیرا بدون داشتن چنین آگاهی هایی نخواهد توانست به امرامامت قیام کند.

استدلال دیگر، استدلال به سیره عقلای بشر است؛ زیرا از نظر عقلای بشر، روا نیست زمامدار، افرادی را به وزارت و سرپرستی امور مملکت برگزیند که به امور مربوط به وزارت و منصب خود علم کافی ندارند (سید مرتضی ۱۴۰۷: ۱، ۱۶۳-۱۶۵).

در روایات امام حسین علیه السلام بر عالم بودن اهل بیت پیامبر علیهم السلام اشاره شده است:

لَقِيَ رَجُلَ الْمُحْسِنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فِي الشَّعْلِيَّةِ وَهُوَ يُرِيدُ كَرْبَلَاءَ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ الْمُحْسِنُ علیه السلام: مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ أَنْتَ؟ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ. قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ يَا أَخَا أَهْلِ الْكُوفَةِ، لَوْ لَقَيْتَكَ بِالْمَدِينَةِ لَأَرَيْتُكَ أَثَرَ جَبْرِئِيلَ علیه السلام مِنْ دَارِنَا وَنُزُولِهِ بِالْوَحْيِ عَلَى جَدِّي، يَا أَخَا أَهْلِ الْكُوفَةِ، أَفُتَسْتَقِي النَّاسَ الْعِلْمَ مِنْ عِنْدِنَا؛ فَعَلِمُوا وَجَهِلْنَا؟! هَذَا مَا لَا يَكُونُ؛ (صفار، ۱۴۰۴: ۱۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۹۸)

مردی امام حسین علیه السلام را که آهنگ کربلا داشت، در شعلیه دید. بر او درآمد و سلام کرد. امام حسین علیه السلام از او پرسید: کجایی هستی؟ گفت: اهل کوفه ام. امام فرمود: هان! به خدا سوگند، ای مرد کوفی! اگر تو را در مدینه می دیدم، جای پای جبرئیل علیه السلام را در خانه مان و جایگاه نزول او بر جدمان را به تونشان می دادم. ای مرد کوفی! آیا آبشخور علم مردم، نزد ما باشد و آن گاه، آنها بدانند و ما ندانیم؟! این، نشدنی است.

همچنین صاحب *بصائر الدرجات* از جعید همدانی نقل می کند:

وَكَانَ يَمْنُ خَرَجَ مَعَ الْمُحْسِنِ بِكَرْبَلَاءَ، قَالَ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِأَيِّ شَيْءٍ تَحْكُمُونَ؟ قَالَ: يَا جُعِيدُ نَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ، فَإِذَا عَيِينَا عَنْ شَيْءٍ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ؛ (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۴۵۲)

بصائر الدرجات به نقل از جعید همدانی - که از کسانی بود که با امام حسین علیه السلام به سوی کربلا راهی شد - به امام حسین علیه السلام گفتم: فدایت شوم! به چه چیز، حکم می کنید؟ فرمود: ای جعید! به حکم خاندان داوود علیه السلام حکم می کنیم. پس چون در چیزی در ماندیم، روح القدس به ما یاد می دهد.

در روایت فوق، به مهم ترین منبع علم امام که روح القدس باشد اشاره شده است.

## ۵- ۵. اهل حق بودن

امام حسین علیه السلام ضمن معرفی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را نشانه حق معرفی می‌کند که خداوند حق را در دل و زبان آنها جاری ساخته است:

... عَلِمْتُ أَنَا أَهْلُ بَيْتِ الْكَرَامَةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، وَأَعْلَامُ الْحَقِّ الَّذِينَ أَوْدَعَهُ اللَّهُ عَزْوُ جُلِّ قُلُوبِنَا وَأَنْطَقَ بِهِ أَلْسِنَتُنَا، فَتَنَطَّقَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزْوُ جُلِّ: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۳۱۲)

... که ما، اهل بیت کرامت و معدن رسالتیم و نشانه‌های برافراشته حق؛ کسانی که خداوند عزو جل، حق را در دلیمان به ودیعت نهاد و زبانمان را به آن، گویا کرد. پس به اذن خدای عزو جل به سخن درآمد.

در روایتی دیگر، امام حسین علیه السلام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را محور حق و حق‌گویان راستین معرفی می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْحَقُّ فِينَا، وَبِالْحَقِّ تَنْطِقُ أَلْسِنَتُنَا؛ (الکوفی، ۱۴۱۱: ۵ / ۱۷؛ الخوارزمی، بی تا: ۱ / ۲۶۸)

ما خاندان پیامبر خدا هستیم. حق، در میان ماست و زبان ما به حق، گویاست.

استاد جوادی آملی در تبیین حق بودن امام می‌نویسد:

امام، میزان اعمال و شجره طوبی و حق است و عقاید و اوصاف و اعمال را با حق می‌سنجد. یعنی عقیده امام معصوم که حق است، میزان سنجش عقاید دیگران است و همچنین درباره اوصاف و اعمال، می‌توان میزان حق بودن آنها را باورد داشت. از این رو رسول خدا درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «المیزان میزانک؛ میزان تو میزان است» یعنی عقاید اخلاق افعال و اقوال مردم را با عقیده، خلق، فعل و قول علی و اولاد علی می‌سنجند. هر عقیده، خلق، فعل و قولی که مطابق عقیده و خلق و افعال و اقوال آنها بود، حق است، وگرنه باطل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۹)

## نتیجه‌گیری

بر اساس فرمایش‌های امام حسین علیه السلام امامت، مقامی الهی و منصوص به شمار می‌رود. امامت در ادامه سلسله نبوت و رسالت است. از این رو مردم در تعیین و

مشروعیت امام نقشی ندارند. بر مردم هر عصر و زمان لازم است امام زمان خویش را بشناسند که بر مدار او حرکت کنند تا از گمراهی های فکری و عقیدتی محفوظ بمانند. از احادیث سید الشهداء علیه السلام دریافتیم امام - که عهده دار این مقام خطیر است - ویژگی هایی همچون حافظ شریعت، علم لدنی، طهارت و عصمت از گناهان و پلیدی ها، اقامه کننده نماز، اهل و ملاک حق و... است.



## منابع

- ابن الاثير، عزالدين ابوالحسن على ابن ابى الكرم (١٩٦٥م)، *الكامل فى التاريخ*، بيروت، دارصادر- دار بيروت.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (بى تا)، *المناقب*، تصحيح: هاشم رسولى، محمد حسن آشتياني، قم، بى نا.
- ابن فارس، احمد (١٤١٨ق)، *معجم المقاييس فى اللغة*، بيروت، دارالفكر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، *لسان العرب*، بيروت، دارصادر.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (بى تا)، *مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي*، تحقيق: محمد سماوى، قم، انتشارات، انوارالمهدى.
- استرآبادى، على (١٤٠٩ق)، *تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة*، تحقيق: حسين استادولى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
- بحراني، ابن ميثم (١٤٠٦ق)، *قواعد المرام فى علم الكلام*، تحقيق: سيد احمد حسيني، قم، مكتبة آية الله المرعشى.
- جرجاني، ميرسيد شريف (١٤٠٣ق)، *التعريفات*، بيروت، دارالفكر.
- جمعى از نویسندگان، زیر نظر محمود یزدی مطلق (١٣٨١ش)، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه های امامیه معتزله اشاعره)*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامى رضوى.
- جوادی آملی، عبدالله (١٣٨١ش)، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، قم، مرکز نشر اسرا.
- خزاز قمی، على بن محمد (١٤٠١ق)، *کفایة الأثر*، تحقيق: سيد عبداللطيف، قم، انتشارات بيدار.
- دینوری، ابى حنیفه احمد بن داوود (١٩٦٠م)، *الاخبار الطوال*، قاهره، منشورات شريف رضى.
- ربانى گلپایگانی، على (١٣٨٦ش)، *امامت در بینش اسلامى*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

- سلیم ابن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات هادی.
- سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۷ق)، الشافی فی الامامة، تهران، مؤسسه الصادق.
- سیوری، فاضل مقداد (۱۴۰۵ق)، ارشاد الطالبیین، قم المقدسة، مكتبة المرعشی.
- شرتوتی لبنانی، سعید الخوری (۱۴۳۰ق)، اقرب الموارد، قم، مكتبة المرعشی.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکراحمد (۱۹۹۶م)، الملل والنحل، تحقیق: سید محمد گیلانی، بیروت، دار الصعب.
- شهرستانی، عبدالکریم (۱۹۷۳م)، المنجد فی اللغة والاعلام، بیروت، دارالمشرق.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق و تصحیح: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد بن ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأملی للطوسی، قم، دارالثقافه.
- طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۵ق)، تلخیص المحصل، بیروت، دار الاضواء.
- فاضل مقداد، ابوعبدالله مقداد بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، ارشاد الطالبیین، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، الاستنصار فی النص علی ائمة الاطهار، بیروت، دار الاضواء.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق)، کنز الفوائد، تحقیق: عبدالله نعمت، قم، دارالذخائر.
- کسار، جواد علی (۱۳۸۲ش)، پژوهشی در پرسمان امامت، ترجمه: توفیق نور الهدی، بی جا، انتشارات دارفراقده.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۳۶۳ش)، رجال کشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)، تصحیح: رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- کوفی، ابن اعثم ابی محمد احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
- کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۰۳ق)، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران (بی تا)، المعجم الوسیط، استانبول، المكتبة الاسلامية.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ - الف)، الأمالی، تحقیق و تصحیح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۳ - ب)، النکت الاعتقادیه، قم، المجمع العالمی لاهل بیت.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیرالمیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

